دایرة المعارف گونه هایی از اشخاص

کیهان فرهنگی

مرسلوند، حسن

کیهان فرهنگی:انگیزهء اصلی شما از تدوین چنین مجموعه‏ای چیست و نخستین بار کی و چگونه به فکر تدوین‏ آن افتادید؟

حسن مرسلوند:از دوران نوجوانی پیوسته در این‏ فکر بودم که چرا قدرتمندان و سیاستمداران ایرانی- جز تعدادی انگشت شمار-از موقعیت خود بهره‏ نبرده‏اند و برای آبادی و آزادی میهن خویش دامن‏ همت به کمر نبسته‏اند.در مطالعه مختصری که در تاریخ سایر ملت‏ها کردم،به این نتیجه دردآور رسیدم‏ که متأسفانه رجال در آن سرزمین‏ها بیشتر از ما در پیشرفت سرزمین‏های آبا و اجدادی خود کوشیده‏اند. حال به این کاری نداریم که فرهنگ،شرایط اقتصادی، اوضاع سیاسی،موقعیت جغرافیایی و...در پیدایش‏ این مشی سیاسی نقشی بسزا داشته است.

عنصر سیاسی در ایران زمین،چه در هیأت حاکمیت‏ و چه در هیأت نیروی مخالف،پیوسته در اندیشه حفظ منافع شخصی یا گروهی خود بوده است؛هر چند که‏ جان بر سر این کار نهاده باشد.ضیاء الدین طباطبایی‏ خودمان تا زمانی که در جبهه مخالفین دولت قرار دارد، روزنامه‏نگاری است شجاع،طرفدار استقلال و پیشرفت‏ مملکت،انقلابی دو آتشه،دمکرات اصولی و سخت‏ طرفدار آزادیهای اندیشه،بیان و مطبوعات،اما همین‏ که بر قدرت می‏نشیند قلم‏ها را می‏شکند،آزادی را تعطیل می‏کند،همه مطبوعات را توقیف و زندانها را مملو از زندانیان سیاسی می‏کند.در این سرزمین کم‏ نبوده‏اند سیاستمدارانی که برای رسیدن به قدرت،تن‏ به دریوزگی از سفارتخانه‏های بیگانه داده‏اند و ریشه‏های حیات سیاسی خویش را از گندآب بیگانه‏ آبیاری کرده‏اند.تاریخ ایران هنوز از ننگ پناهندگی‏ محمد علی شاه قاجار به سفارت روس می‏نالد.حال که‏ واقعیت تلخ تاریخی این است که در گذشته برای رشد سیاسی در ایران جز فریب و دریوزگی از بیگانه راهی‏ وجود نداشته،آیا شاهکار نکردند آن اندک‏ سیاستمدارانی که با تکیه بر محبوبیت ملی و بدون‏ وابستگی به بیگانه و بدون استفاده از حربه پوسیده‏ دیکتاتوری،پای در راه سیاست نهادند و به راستی به‏ میهن خود خدمت کردند؟بنابر این،نمایاندن رفتار سیاسی سیاستمداران شایسته ایرانی و مقایسه آنان با دیگران انگیزهء اصلی تدوین چنین مجموعه‏ای بود.

نخستین بار در سال 1364 به فکر تدوین چنین‏ مجموعه‏ای افتادم.از کارهای اداری استعفا دادم و کنج عزلت برگزیدم.در آن هنگام کتابخانه‏ای داشتم با حدود چهار هزار جلد کتاب،تعداد زیادی سند هم از سازمان اسناد ملی ایران گرفتم و تعداد زیادی کتاب و نشریه هم از دوستان به امانت گرفتم و کار را شروع‏ کردم.

کیهان فرهنگی:کسانی را که در گردآوری«زندگینامه...»شما را یاری‏ می‏دهند نام ببرید و دربارهء مسؤولیت و کار هر یک توضیح دهید.

مرسلوند:فیش‏برداری از منابع نزدیک به دو سال‏ طول کشید،که در این مدت نزدیک به شش ماه آقای‏ عبد الله شریفی و در حدود همین مدت نیز خانم‏ نرگس کارگر در استخراج فیش‏های مربوط مرا یاری‏ دادند.استاد بزرگوارم دکتر مهیار خلیلی کمکهای‏ فراوانی در زمینه‏های گوناگون نمودند(مانند:معرفی و تهیه منابع،بازنگری مقالات و ترتیب مصاحبه‏های‏ حضوری با افراد).همه می‏دانیم که تألیف چنین‏ مجموعه‏ای نیازمند یک هیأت از محققین و سرمایه و امکانات مکفی است،ولی متأسفانه این کار دست تنها و بدون هیچ گونه کمک مالی انجام گرفته است.

کیهان فرهنگی:چند مدخل در نظر گرفته شده و گزینش مدخل‏ها بر چه‏ معیاری است؟

مرسلوند:نزدیک به ده هزار مدخل را برای کار برگزیده‏ام و گزینش مداخل بر اساس درستی منبع و گفتگو با حسن مرسلوند (مؤلف«زندگینامهء رجال و مشاهیر ایران») نزدیکی راوی به تاریخ واقعه انجام گرفته است.ملاک‏ گزینش مدخل‏ها نیز نام‏آوری افراد در یکی از عرصه‏های علم،فرهنگ،هنر،فنون نظامی و سیاست‏ بوده است.

کیهان فرهنگی:منابع اطلاعاتی و هزینه‏های مالی از چه راهی تأمین‏ می‏شود؟تاکنون چقدر هزینه شده و گمان می‏کنید کل کار چقدر هزینه‏ ببرد؟

مرسلوند:بیشتر منابع اطلاعاتی،توسط این جانب‏ با هزینه شخصی خریداری شده است،تعدادی هم از دوستان به امانت گرفته شده است.منابع مالی کار هم‏ خصوصی بوده و از هیچ نهاد و سازمانی کمک مالی‏ دریافت نکرده‏ام.تهیه این مجموعه،تا امروز ده سال‏ وقت تلف کرده و نزدیک به دو میلیون تومان برای خرید منابع هزینه صرف شده است.تا پایان کار هزینه‏ دیگری نخواهم داشت،ولی فکر می‏کنم که یک سال‏ کار مداوم نیاز داشته باشد.

کیهان فرهنگی:ملاک کوتاه و بلندی‏ مقالات ذیل هر مدخل چیست؟

مرسلوند:ملاک،مقدار اطلاعاتی است که درباره‏ صاحب ترجمه گردآوری شده است،تاریخ ایران دربارهء برخی از رجال بسیار پرگویی کرده ولی چهره برخی را در سایه‏های ابهام همچنان نگه داشته است.من تا آنجا که در توان داشتم،کوشیدم که چهره رجال ایرانی را در آن مقطع تاریخی خاص(1299-1320 خ)به روشنی‏ ترسیم کنم،و تنها رفتار اجتماعی آنان را بررسی کنم‏ نه زندگی خصوصی‏شان را.

کیهان فرهنگی:آیا اصولی در ساخت‏ کلی مقالات رعایت شده یا خیر؟

مرسلوند:اصولی که در ساخت کلی مقالات رعایت‏ شده،ترتیب و تاریخ وقایع است،در همه مقالات تاریخ‏ ولادت در ابتدا،پس از آن(در صورت داشتن اطلاعات‏ بیشتر)محل زادگاه،و سپس زمان و مکان تحصیل و... آمده است،اطلاعاتی که هر مقاله به خواننده می‏دهد به طور معمول اینهاست:نام،نام خانوادگی و لقب‏ اشخاص،نام پدر،زاد روز،زادگاه،پیشه،تأثیرات‏ سیاسی یا اجتماعی،اگر اهل قلم است نام آثار به جا مانده از او،نقش صاحب ترجمه در دگرگونی‏های‏ سیاسی و اجتماعی،سال وفات،محل وفات و غیره. همراه با دادن این اطلاعات به خواننده،تلاش کرده‏ام‏ که تحلیلی کوتاه از شرایط تاریخی دوره زیست صاحب‏ ترجمه هم به خوانندگان بدهم.

کیهان فرهنگی:کار در چه مرحله‏ای‏ است و کل آن در چند جلد و چه زمانی‏ در دسترس علاقه‏مندان قرار می‏گیرد.

مرسلوند:جلد ششم این مجموعه را تمام کرده‏ام، کل کار به گمان من نه جلد خواهد شد.وزارت فرهنگ‏ و ارشاد اسلامی کاغذ دولتی برای چاپ جلدهای‏ چهارم،پنجم و ششم این کتاب در اختیار ناشر قرار داده است و طبق تعهد ناشر،می‏بایستی این سه جلد تا پایان سال 1374 چاپ و منتشر شود.سه جلد دیگر هم اگر مانعی در کار نباشد،در سال 1375 چاپ و منتشر خواهد شد.

کیهان فرهنگی:مشکلات و موانع‏ کارتان چه بوده و چه پیشنهادی برای‏ حل آنها ارائه می‏دهید؟

مرسلوند:همان طور که همه می‏دانیم،انجام چنین‏ کارهایی نیازمند حمایت سازمانها و نهادهای دولتی‏ است،چه از لحاظ تأمین بودجه کافی برای انجام کار و چه از نظر در اختیار گذاردن منابع اطلاعاتی،ولی‏ متأسفانه من و ناشر از تنها امکاناتی که در تهیه و چاپ‏ این مجموعه استفاده کردیم،کاغذ دولتی،آن هم فقط برای چاپ سه جلد از مجموعه نه جلدی کار است. طبیعی است که بنیه ضعیف اقتصادی من به عنوان یک‏ محقق ایرانی و ناشر به عنوان سرمایه‏گذار در این کار،از کیفیت کار و سرعت چاپ کاسته باشد.

جلد دوم این مجموعه نزدیک به چند ماه و جلد سوم‏ آن سه سال در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتظر صدور مجوز چاپ ماند.علت هم به نظر من اعمال‏ سلیقه فردی بود،نه مغایرت نوشته‏های من با قوانین‏ مملکتی.برای نمونه در جلد دوم،در زندگینامه مرحوم‏ ملک الشعرا بهار قطعه شعری از بهار نقل کرده بودم‏ که این شعر نشان می‏دهد که ملک الشعرا در ابتدای‏ کار سردار سپه(رضاشاه بعدی)از طرفداران سردار سپه بوده و بعدها وقتی که سردار سپه به سلطنت‏ رسید،او جزو مخالفین شاه تازه به سلطنت رسیده شد که در همین زمینه شعری هم در انتقاد از رضاشاه‏ سروده است.من هر دو شعر ملک الشعرا را در زندگینامه‏اش نقل کردم،یعنی هم شعر مربوط به مدح‏ سردار سپه و هم شعر مربوط به ذم رضاشاه را.ولی‏ مسؤول مربوط اصرار داشت که آوردن شعر در مدح‏ سردار سپه،تمجید از رضاشاه است،آن هم از قول من! سرانجام گفتگوهای من با ایشان به جایی نرسید و ناشر ناگزیر شد که صفحاتی از کتاب را حذف نماید و با نوعی دیگر از حروف،صفحات 353،354 را بازنویسی نماید،آن هم تغییر در کتاب چاپ شده و آماده پخش!امیدوارم برای چاپ سایر جلدها از این‏ مشکلات پیش نیاید.

گرانی کاغذ و خدمات چاپ در گذر سالهای اخیر، موضوع پیش بینی نشده‏ای بود که دست ناشر را بست‏ و او را با مشکلات مالی وحشتناکی رو به رو کرد. جلدهای اول و دوم مجموعه نیز تمام شده و نیازمند تجدید چاپ است.

کیهان فرهنگی:سپاسگزاریم.